

قدردانی می کنند که آیش-زنی که مجبور به ازدواج و زندگی ناخواسته‌ای شد ـ توانست حداقل برای لحظه‌ای طعم آزادی واقعی را ـ هرچند کوتاه ـ تجربه کند. شاید او، آن لحظه‌ی کوتاه را به زندگی به‌عنوان یکی از هشت همسر مورمون در سالت لیک سیتی، ترجیح می‌دهد.

❖ **همچنین واقعاً دلخراش است که می‌بینیم شخصیت آیزاک در دقایق آخر بعد از راهنمایی سارا، دوین و دو ماه می‌میرد. آیا همیشه آن پایان را تصور می‌کردید؟**

ما سریال را بدون این‌که دقیقاً بدانیم چه کسی در پایان زنده می‌ماند و چه کسی می‌میرد، شروع کردیم و شاید تا دوهفته قبل از این‌که به پایان نزدیک شویم، نمی‌دانستیم. هیچ‌کس از مرگ مصون نبود و ممکن بود هر کسی را انتخاب کنیم که در سریال بمیرد، من، مارک و اریک نیومن ـ تهیه‌کننده‌ی دیگرمان ـ در مورد آن زیاد صحبت می‌کردیم. من با بلا (باجاریا)، رئیس ما در تنفلیکس تماس می‌گرفتم و می‌گفتم: «نظرت چیه؟» و ما در مورد زنده نگه داشتن همه یا کشتن همه صحبت می‌کردیم. پایانی که انتخاب کردیم همان چیزی بود که درنهایت فکر می‌کردیم احتمالاً بهترین است. اما چه کسی می‌داند؟ من ناراحت بودم و وقتی به تیلور گتتیم، ناراحت شد.

❖ **آیا شانس‌ی برای دنبال کردن سارا، دوین و دو ماه در سفر به کالیفرنیا در فصل دوم وجود دارد؟**
 خُب یکی از چالش‌ها این است که شانی و پرستون ـ بازیگرانی که نقش دو ماه و دوین را بازی کردند ـ به‌خاطر اعتصاب که تولید را به مدت پنج‌ماه متوقف کرد، با مشکلاتی مواجه شدند؛ در آن زمان پرستون به بلوغ کامل رسید، قدش بلند شد، صدایش تغییر کرد و صورتش هم مو درآورد. ادامه‌ی داستان آن‌ها یک جهش زمانی قابل‌توجه خواهد بود، اما من شیفته کاوش در گذشته هم هستم.

❖ **بسیاری از بازی کوتاه جیم ایرسای، مالک ایندیاناپولیس کولتس در قسمت اول شگفت‌زده شدند. چگونه این اتفاق افتاد؟**

جیم دوست من و یک انسان باورنکردنی است و من در حال کار روی یک مستند درباره‌ی او هستم. او از طرفداران پروپا قرص رابرت ردفورد به‌خصوص فیلم «جرمیا جانسون» است و وقتی از او دعوت کردم که به ما ملحق شود خیلی هیجان‌زده شد. او یک ظاهر کلاسیک آمریکایی دارد که کاملاً با حال‌وهوای سریال ما مطابقت داشت.

گاهی اوقات استودیوها نقش‌های فرعی‌ای که توسط افراد معروف بازی می‌شود را زیر سؤال می‌برند و از آن انتقاد می‌کنند، اما همه از ظاهر او در این سریال لذت بردند و خوشحالم که او در کنار ما بود. به‌نظم حس خوبی به سریال افزود و او واقعاً سزاوار یک جایزه‌ی لومباردی دیگر است.

❖ **می‌خواهم درباره‌ی ساخت دوباره‌ی «چراغ‌های جمعه‌شب» از شما بپرسم. خُب قرار است چه بکنید؟**

اکنون در حال نوشتن فیلمنامه هستیم. جیسون کاتیمز نقش اصلی را برعهده دارد و من با او روی فیلمنامه کار می‌کنم، همچنین برایان گریز نیز تهیه‌کننده‌ی آن است.

این به‌نوعی تیم خلاق اصلی پشت سریال است. «چراغ‌های جمعه‌شب»، شروعی دوباره است بنابراین یک بازیگر جدید در آن خواهد بود و داستان در سال‌های ۲۰۲۶-۲۰۲۵ روی می‌دهد که بسیار متفاوت از زمانی است که ما سریال اول را ساخته بودیم. در آن زمان هیچ تلفنی وجود نداشت ـ به این موضوع فکر کنید ـ بنابراین همه‌چیز امروز تغییر کرده است. مدتی است که درخواست ادامه‌ی این سریال را می‌شنویم و واقعاً از شنیدن این موضوع هیجان‌زده شدیم. گاهی اوقات کمی طول می‌کشد تا همه با هم هماهنگ شوند. می‌خواهیم داستان‌های جدید را در دنیای امروز کشف کنیم، در عین حال برخی عناصر آشنا را حفظ کنیم.

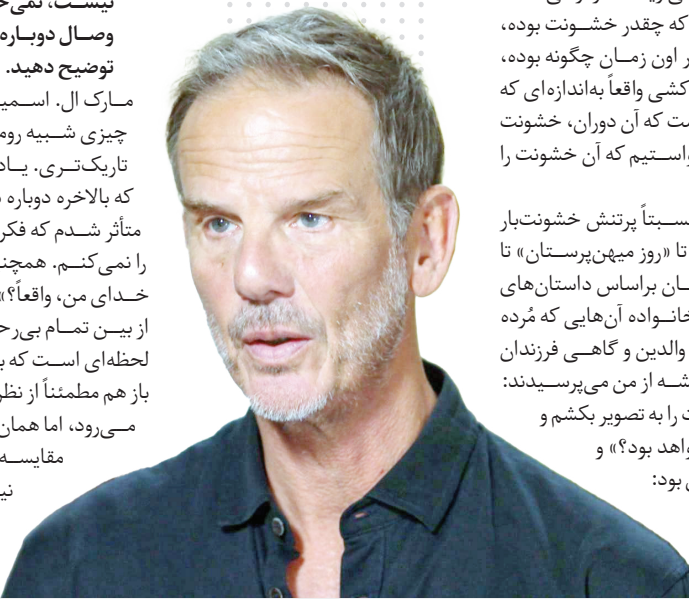


همیشه روی خطی راه برود و جایی که از آن عبور کند، به چیزی وارد می‌شود که نمی‌تواند اصلاحش کند. من همیشه نمی‌دانم که آن خط چیست، اما حس می‌کنم که غریزه‌ام خوب کار می‌کند و سعی می‌کنم که از آن خط عبور نکنم.» بنابراین ممکن است مرزها را جابه‌جا کنم اما از آن آستانه عبور نمی‌کنم. درباره‌ی دو صحنه‌ی تعرض جنسی که گفتید، می‌دانستم که به آن آستانه نزدیک شده‌ام. به‌عنوان مثال دو ماه، یک اقدام تعرض جنسی را تجربه می‌کند اما موفق می‌شود جلوی‌اش را بگیرد و این برای من قابل توجه بود. احساس می‌کردم اگر در حمله به سارا بیشتر از این نشان دهم، از مرز شخصی من عبور می‌کند. درنهایت می‌خواستم مطمئن شوم که بعد از آن صحنه، سارا بتواند انتقام بگیرد؛ که این کار را هم کرد.

موضوع دیگر این است که می‌دانم همیشه قرار نیست درباره‌ی این موضوع صحبت کنم زیرا مردم نمی‌خواهند درباره‌ی سرخپوستان ـ چون این واژه به‌نوعی توهین و نژادپرستی محسوب می‌شود ـ صحبت کنند و من درک می‌کنم که این موضوع حساس است و برای همین، وقت زیادی را صرف کار کردن با بتی گپیلین کردم و به او گفتم: «به کمکت نیاز دارم تا بفهمم چطور شخصیت شما را از این‌تعرض پاک کنم و نمی‌دانم باید چه کار کنم.» قطعاً به‌عنوان یک مرد نمی‌دانم چه باید بکنم و او یک خط بسیار قدرتمند نوشت که در آن پس از تعرض، آیزاک سعی می‌کند به او دلداری دهد اما او مانع‌اش می‌شود و می‌گوید: «به من ترحم نکن. مرا دست‌کم نگیرید.» دیدیم که آن مردان به آنجا برگشتند و چه بلایی سرشان آمد و وقتی بتی به من آن خط را نشان داد، حسم این بود که «دقیقاً همینه.» فکر کردم که آن راهی بسیار قدرتمند برای بازگشت این شخصیت به مسیر اصلی است.

❖ **آیش (سانورا لایت‌فورت ـ لئون) و جیکوب پرات (دین دیهان)، داستان جالبی دارند که در آن جیکوب کل سریال را صرف یافتن او می‌کند و آیش حتی پس از این‌که دیگر اسیر بومیان نیست، نمی‌خواهد که او را پیدا کنند. درباره‌ی وصال دوباره‌ی آن‌ها در صحنه‌ی مرگ پایانی، توضیح دهید.**

مارک ال. اسمیت، آن صحنه‌ی پایانی را نوشت و چیزی شبیه رومئو و ژولیت بود؛ البته با پیچ‌وتاب تاریک‌تری. یادم می‌آید وقتی آن لحظه‌را خواندم که بالاخره دوباره به هم رسیدند، دلم لرزید. آن‌قدر متأثر شدم که فکر می‌کنم آه کشیدم و معمولاً این کار را نمی‌کنم. همچنین به مارک زنگ زدم و گفتم: «اوه خدای من، واقعاً؟» و او فقط گفت: «بله». از نظر من، از بین تمام بی‌رحمی‌ها و تزاؤدی‌های سریال، این لحظه‌ای است که بیشترین ضربه را به من وارد می‌کند. باز هم مطمئناً از نظر خشونت و شدت آن فراتر از مرزها می‌رود، اما همان‌طور که جولی اوکیف می‌گوید، در مقایسه با آنچه واقعاً اتفاق افتاد، چیزی نیست. زنان از زمان پخش آن تماس گرفته‌اند و گفته‌اند که واقعاً از این



نیست، زیرا آن قتل‌عام‌ها طی سه روز اتفاق افتاد؛ درحالی‌که در فیلم خیلی سریع اتفاق می‌افتد. من انتقادهایی در این باره شنیده‌ام اما کسی از سوی مورمون‌ها نبود که کشتار مراتع را انکار کند و مورمون‌ها واقعاً این کار را کرده‌اند. بعضی از آن‌ها نگرانی‌هایی در این باره داشته‌اند که ما پا را از گلیم‌مان درازتر کرده‌ایم. ما سکانسی داریم که بعضی از زنان مورمون توسط آمریکایی‌های بومی ربوده می‌شوند و این اتفاق در مورد کشتار مراتع اتفاق نیفتاد اما درواقع در جاهای دیگر اتفاق افتاده بود و این موضوع سابقه‌ی تاریخی دارد. ما هیچ‌وقت نگفتیم که داریم یک فیلم مستند می‌سازیم، اما تمام فیلم براساس صدردصد واقعیت است. البته که خیلی جاها خیلی آزادانه عمل کردیم. اما فکر می‌کنم که به‌صورت منطقی و معقول در مورد رویدادهای کلیدی بسیار دقیق بوده‌ایم؛ به‌خصوص درباره‌ی کشتار مراتع.

❖ **شما با جولی اوکیف به‌عنوان مشاور بومی، برای سریال همکاری کردید. او چه راهنمایی‌هایی به شما ارائه داد؟**

او رئیس‌م بود. من برایش کار می‌کردم. بدیهی است که به‌عنوان یک فیلمساز سفیدپوست، اگر با مشاوران مناسب برای راستی‌آزمایی وقایع مشورت نمی‌کردم، نمی‌توانستم با صداقت به برخی از این فرهنگ ورود کنم، آن‌وقت به بسیاری از مردم بدی می‌کردم و این را می‌دانستم. می‌دانستم که چیزهایی وجود دارند که نمی‌دانم و می‌دانستم که یک‌سری چیزها هست که حتی خبر نداشتم که نمی‌دانم. بنابراین جولی اولین فردی شد که به‌کار گرفتم.

او به‌نوعی به‌عنوان یک مشاور در این فیلم خدمت می‌کرد، زیرا همه‌ی قبایل به یک شکل رفتار نمی‌کنند و فقط یک مشاور بومی نیست که همه قبایل را بشناسد و بگوید آپاچی‌ها، ناواهوا، شوشونی‌ها، پایوت‌ها و بیوت‌ها چه کردند. بنابراین او رفت برای ما مشاوران پایوت، شوشون و بیوت پیدا کرد و به اعتبار تنفلیکس، آن‌ها از ما حمایت کردند و قطعاً برای این کار به زمان و هزینه نیاز داشتیم. ما واقعاً سخت‌کار کردیم، از کفش پوست گوزن گرفته تا زبان تا موادی که خیمه سرخ‌پوستان از آن ساخته شده بود. همه‌ی لباس‌ها مانند بومیان بود، ضمن اینکه مطمئن شدیم که بازیگران و سیاهی‌لشکرها همگی بومی باشند و اگر چیزی درست نبود و جولی آن را دوست نداشت، ما آن را انجام نمی‌دادیم.

❖ **خشونت و سبعبت سریال، موضوع بسیاری از بحث‌ها بوده است اما به‌نظر می‌رسد تصمیم آگاهانه‌ای بود که خشونت جنسی که سارا و دو ماه با آن مواجه می‌شوند، نمایش داده نشود. می‌توانید درباره‌ی این انتخاب توضیح دهید؟**

قطعاً ما می‌خواستیم تلاش کنیم که حجم مشخصی از خشونت را در سریال نشان دهیم. یکی از چیزهایی که جولی مدام طی سریال به من می‌گفت؛ چون من از او می‌پرسیدم، «آیا این خیلی زیاده؟» و او می‌گفت: «نمی‌تونی فکرش رو بکنی که چقدر خشونت بوده، فکر می‌کنی که اون جهان در اون زمان چگونه بوده، این خشونت‌ی که به تصویر می‌کشی واقعاً به‌اندازه‌ای که بوده، نیست.» واقعیت این است که آن دوران، خشونت بی‌حدوحصری بود و ما می‌خواستیم که آن خشونت را نشان دهیم.

ما چند پروژه با سکانس‌های نسبتاً پرتنش خشونت‌بار داشتیم، از «تنها بازمانده» تا «روز میهن‌پرستان» تا «دیپ‌واتر هاریزون» که همه‌شان براساس داستان‌های واقعی بودند. من با اعضای خانواده آن‌هایی که مُرده بودند ـ همسران، شوهران، والدین و گاهی فرزندان ـ ملاقات کردم و تقریباً همیشه از من می‌پرسیدند: «چطور می‌خواهم این خشونت را به‌تصویر بکشم و آیا این خشونت خیلی زیاد خواهد بود؟» و

چیزی که همیشه می‌گفتم این بود:

«باور دارم که یکی از کارهای

یک فیلمساز این است که

یک اقتباس خوب بود، در اواسط فصل دوم، لحظاتی وجود داشت که احساس می‌شد این سریال کمی بیشتر از حد لازم طول می‌کشد. سرعت سریال زیر جزئیات غیرضروری کُند می‌شود، به‌خصوص وقتی نوبت به این می‌رسد که ژولیت زمان زیادی را صرف یافتن راه‌حل‌هایی برای مشکل رفت‌وآمدش بین سیلوها می‌کند.

نگرانی این است که زمان محدودی برای «سیلو» باقی مانده است، زیرا اپل تی‌وی پلاس، آن را تنها برای دو فصل دیگر تمدید کرده است. این فصل‌ها باید کل داستان دو رمان پایانی «تعویض» و «غبار» را پوشش دهند که چالش‌برانگیز خواهد بود. این کار آسان نیست، زیرا در کتاب‌های بعدی همه‌چیز بسیار پیچیده‌تر می‌شود. هنوز هم سیلوهایی وجود دارند که ما در مورد آنها نمی‌دانیم و تلاش ژولیت برای آزاد کردن سکانن آن‌ها، به‌علاوه جزئیات مهمی در مورد سیلوهایی که هنوز ندیده‌ایم، همراه با داستان بسیار پیچیده از چگونگی شکل‌گیری جهانی از این نوع وجود دارد. این کتاب‌ها

نگاه روزنامه‌نگار

ادبای حقوقدان

به‌مناسبت سالروز تصویب لایحه استقلال کانون وکلا



صفر دوام

روزنامه‌نگار

امروز هفتم اسفندماه، سالروز تصویب لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری است که ۷۰ سال پیش با ایده دکتر محمد مصدق، در ۷۰ سال با هدف دفاع از حقوق مدنی مردم در ساختار قضایی ایران انجام پذیرفت. بیشتر حقوقدانان پس از آموختن دانش حقوق مدنی و جزا و... دل به وادی سیاست و برخی دیگر هم قلم به صفحه ادبیات واگذار کرده‌اند و آثاری از شعر گرفته تا داستان و نقد ادبی به بازار پرفروش ادبیات و شعر امروز ما روانه کرده‌اند. گذری بنام ادیبان و نویسندگان درگذشته حقوقدان کشور در روز «وکیل مدافع» علاوه بر یادکرد نامشان، نقش علم حقوق در ساختار ادبیات معاصر، از شعر گرفته تا ادبیات داستانی، نقد ادبی و روزنامه‌نگاری خالی از لطف نیست. یکی از حقوقدانان اهل قلم عهدمشروطه سیدحسین گلستانه؛ مشهور به انتظام‌السادات، از اهالی کرمان بود که در صدر مشروطه به انتشار روزنامه توفان و دفاع از انقلاب مشروطه پرداخت و فن شاعری را نیز در کنار روزنامه‌نگاری ادامه داد، نزدیک به چهارهزار بیت شعر سروده و به‌وکالت نیز اشتغال داشته‌است.

عبدالعلی ادیب‌رومند: از دیگر شاعران ملی و آزادیخواه پس از کودتای ۲۸ مردادماه سال ۳۲ نیز از نام‌آوران حقوقدان عرصه شعر و روزنامه‌نگاری بود که اشعاری عموماً میهنی و سیاسی ضداستعماری در کارنامه شاعری او به‌یادگار مانده‌است.

دکتر ایرج افشار‌یزدی: نویسنده، پژوهشگر، نسخه‌پژوه، کتاب‌شناس، سیاح و حقوقدان، دیگر حقوقدانی است که برگ زرین فعالیت‌های پژوهشی و ایران‌شناسی او برای همیشه در بنیان تاریخ این مرزوبوم ماندگار خواهد بود، چه آن‌که بنیاد موفقیات پدر او ـ زنده‌یاد دکتر محمود افشار در حوالی باغ فردوس ـ هر آینه مرجع پژوهندگان و علاقه‌مندان تاریخ ادبیات و زبان ایران بوده و خواهد بود.

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن نیز نامی بسیار آشنا برای دانش‌آموختگان ادبیات و البته ادبیات ایران هم دانش‌آموخته حقوق بین‌الملل از کشور فرانسه بود که در تاریخ سده گذشته ادبیات مادر مقام شاعر، نویسنده و مترجم، آثار شایسته‌ای را به یادگار گذاشت. تأمل در شاهنامه فردوسی و دیوان حافظ به شیوه‌ای ماندگار از جمله آثار ماندگار این حقوقدان ادیب است.

حمید مصدق: شاعر و وکیل دادگستری اهل شهرضا یا همان قمشه نیز از شاعران نوپرداز موفق هم‌روزگار ما از دیگر حقوقدانان دست به قلم و آشنا بود که منظومه‌نامی او با عنوان «آبی خاکستری سیاه» مثل غزل‌های حافظ و نثر بی‌بهری در هر زمان کارآمدی ادبی خویش را دارد.

هاشم جاوید: زاده شیراز حافظ‌شناس و شاعر حقوقدانی بود که با آفرینش «حافظ جاوید»، شرح دشواری‌های غزلیات خواجه شیراز و تطابق آنها با مفاهیم و نکات قرآنی و اشعار نظامی گنجوی، پژوهشی جدید از حافظ‌شناسی در اختیار علاقه‌مندان، پژوهشگران و دلدادگان به اشعار حافظ شیرازی قرار داد. او علاوه بر حرفه وکالت، یک دوره در دهه ۴۰ خورشیدی وکالت پارلمانی مردم شیراز را نیز به‌عهده داشت.

صادق همایونی سروستانی؛ پژوهشگر و مردم‌شناس در حوزه فرهنگ عامه فرهنگ‌های ایران، دیگر دانش‌آموخته علم حقوق و

وکیل دادگستری بود که آثار قابل‌توجهی با عناوین «تعزیه در ایران»، «فرهنگ مردم سروسنات»، «ترانه‌های محلی فارس»، «فرهنگ مردم شیراز» و «مجموعه شعر بن‌بست» در حافظه تاریخ فرهنگ و ادبیات ایران سپرد.

سیمین بهیمانی: شاعر غزل‌سرای موفق با سبک و سیاق خویش نیز هرچند دوران تحصیل حقوق را سپری کرد، اما تدریس در

آموزش‌وپرورش را ترجیح داد و در عین حال ازجمله شاعران حقوقدان به‌شمار می‌رود. بدون تردید همسایگی علم حقوق با ادبیات و تاریخ، به غنای آن می‌افزاید و هر کدام از افراد یادشده با تکاپو و کاوش در تاریخ ادب و زبان این سرزمین، آثار ارزشمندی برای آیندگان به یادگار گذاشتند که شایسته تقدیر است. بنابراین پیوند دانش‌جویان حقوق با ادبیات گرانسنگ ایران، همچنان ضرورتی انکار‌ناپذیر است.

